



◆ مهدی عابدی  
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی  
دانشگاه دولتی ایروان

## تحمیل فقر به ایران

اشاره:

آنچه در زیر می‌آید بخشی از مقاله و تحقیق فقر و مصرف‌گرایی در جوامع در حال گذر است که پایان‌نامه دکتری مهدی عابدی دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان - ارمنستان می‌باشد. این پایان‌نامه پس از دفاع اولیه در جلسه دپارتمان جامعه‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان برای تصویب نهایی و تعیین روز دفاعیه به کمیسیون وزارت علوم جمهوری ارمنستان تقدیم شد. از آنجا که این پایان‌نامه طولانی بوده و صفحات مجله برای چاپ آن بسیار محدود، لذا بخش فقر در ایران برای درج در ماهنامه گزارش انتخاب شده است.

و بیکاری بیشتر نمایان شد.

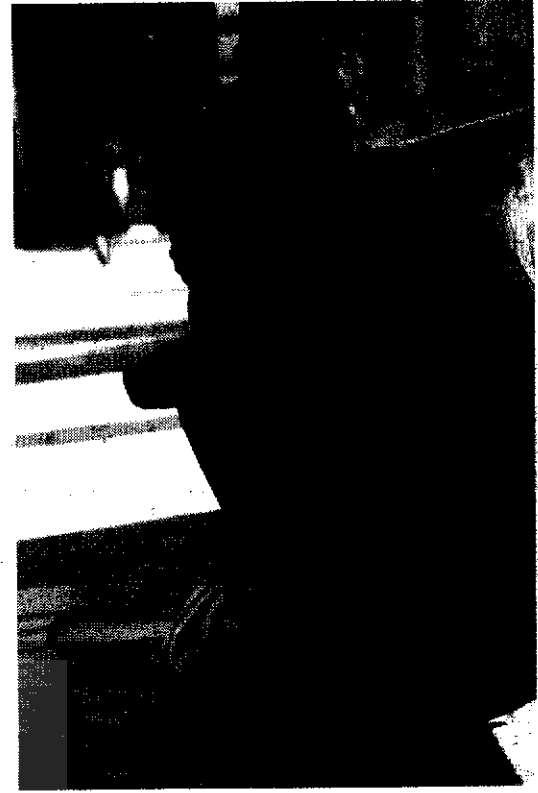
در سایر کشورهای در حال توسعه، همواره در خلال برنامه‌های توسعه انتظار افزایش درآمد می‌رود اما در ایران نه تنها میانگین درآمد افزایش پیدا نکرد، بلکه مطابق سالنامه آماری پس از تورم زدایی، متوسط درآمد خانوار شهری در طول ۱۴ سال از ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۷ حدود ۲۳ درصد کاهش یافت. در مورد هزینه‌های خانوار کشورهای در حال توسعه انتظار یک افزایش منجر به تثبیت در یک سطح معین می‌شود ولی در ایران این پیش‌بینی نیز به وقوع نپیوسته و هزینه‌ها خصوصاً هزینه‌های سبد مصرفی خانوار کاهش یافت. از طرف دیگر ترکیب اجزا سبد مصرفی نیز به طور قابل ملاحظه‌ای تغییر کرد. به طور مثال در مصرف مواد غذایی، مصرف پروتئین و ویتامین‌ها به طرز فزاینده‌ای جای خود را به مصرف هیدروکربورها داد، در مورد هزینه‌های غیرخوراکی با بررسی جداول مربوطه شاهد اختلال شدید اولویت‌ها در این بخش از مصرف خانوار هستیم، به طور مثال به علت کاهش حمایت‌های دولتی و تغییر الگوی مصرف و شیوه‌زندگی، بعضی از این اقلام از جمله حمل و نقل عمومی، هزینه‌های درمانی و

اقتصاد تک محصولی در ایران همواره نوسانات زیادی به همراه داشته و فقر نیز در این وادی دستخوش این تغییرات بوده است از رونق بازار نفت در سال ۱۳۵۰ گرفته تا رکود سریع آن در سال ۱۳۵۸ به همراه سایر تحولات از قبیل انقلاب و شروع جنگ، فقر نسبی و مطلق به صورت گوناگون به جامعه ما تحمیل شد با این که اقتصاد در ایران همواره تابع بازار نفت بوده و هست اما عوامل دیگری در فقر پایدار نقش غیرقابل‌کتمان داشته‌اند از جمله انفجار جمعیتی دهه بعد از انقلاب و تقارن آن با هزینه‌های ۸ سال جنگ فرسایشی، مهاجرت بی‌وقفه روستاییان به شهرها به طوری که مطابق آمار سالیانه سازمان آمار کشور تولید سرانه ملی در سال ۱۳۷۴ معادل ۷۵ درصد تولید سرانه ملی در سال ۱۳۵۸ بود. با این حال به دلیل اجرای سیاست‌های متمرکز و تمرکز فراگیر بر روی جنگ و مسایل آن، نابرابری و شکاف طبقاتی چندان محسوس نبود لذا پس از پایان جنگ و اجرای سیاست‌های انبساطی و در پی رونق کم‌دوام، تورم به طور لجام‌گسیخته‌ای افزایش پیدا کرد و به تدریج شکاف طبقاتی پدید آمد فقر نسبی افزایش یافت و با انفجار جمعیت کمبود امکانات

آموزشی به طرز نامتعارفی افزایش پیدا کرد و از آنجا که منابع درآمدی نه تنها محدود است بلکه به طور محسوسی کاهش پیدا کرده بنابراین در بودجه‌بندی خانوار از سهم سایر اقلام اساسی و حیاتی کاسته و به اقلام فوق‌تخصیص پیدا کرد.

### تبعات فقر در ایران

با بررسی شاخص‌های اقتصادی در حوزه اقتصاد کلان از جمله درآمد سرانه، ایران در میان ۱۱۸ کشور جهان مقام ۵۸ را داراست و با نرخ بیکاری ۱۶ درصد شامل کشورهای با درصد بیکاری بالا محسوب می‌گردد. فقر در ایران تبعات فراوان اجتماعی و اقتصادی بر جای گذاشته و بهره‌وری پایین نیروی انسانی، ضعف فرهنگ کار و وجدان‌کاری حلقه مفقوده توسعه نیافتگی، جملگی از تبعات فقر است. از طرفی دیگر فقر همواره وزنه‌ای است بر دوش بودجه دولتی چه از لحاظ عدم تأمین درآمدهای مالیاتی به واسطه فقر مالیات دهندگان و چه به لحاظ سیاست‌های حمایتی در قالب یارانه‌های مختلف و کمک‌های بلاعوض. پیامدهای سیاسی فقر شامل مفاهیم اساسی



از جمله استثمار، تبعیض، قدرت و سلطه می‌گردد که هر گونه باز تعریف و یا جرح و تعدیل در آن قویا با منافع ناسازگار روبه‌رو شده و اغلب به انسدادهای خونین می‌انجامد.

همان طور که پیشتر اشاره شد با این که اقتصاد ایران در سه دهه اخیر تحت فشارهای متعددی قرار داشت اما همواره تابعی از بازار جهانی نفت بوده است. آمارها نشان می‌دهند که هر گاه قیمت نفت در بازارهای جهانی افزایش داشته ایران از رونق اقتصادی نسبی برخوردار بوده اما در سال‌های پس از جنگ منافع حاصل از این توسعه ناموزون در اقتصاد انحصار پرور به طور عادلانه و یکسان توزیع نشد که پیامد آن رشد نابرابری در سطوح مختلف بود. به طور مثال طبق اولین گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹۶ قریب به ۱۸ درصد مردم فقیرترین استان‌های کشور درآمدی کمتر از ۱ دلار در روز داشتند در حالی که این آمار برای استان‌های طراز اول تنها ۰/۴ درصد بود. آمارهای دیگر همگی حاکی از شکاف رو به تزیاید غنی و فقیر است در این تحقیق با استفاده از اطلاعات مرکز آمار ایران برای بررسی هر چه بیشتر، نابرابری هزینه‌های خانوارهای شهری و روستایی برای سه سال ۱۳۷۱، ۱۳۷۵، ۱۳۷۹ مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته و با استفاده از منحنی لورنس، نابرابری درآمد خانوارهای شهری و

روستایی نیز برای سال ۱۳۷۴ نمایش داده شده که نتیجه تطابق‌های آماری نشان می‌دهد که همانگونه که فقر مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده نابرابری در مناطق روستایی هم بیشتر است.

## سیاست‌گذاری و طرح‌های استراتژیک فقرزدایی

برای مبارزه همه جانبه با فقر هر یک از رویکردهای برشمرده شده و تئوری‌های متفاوت حایز نکات مهمی هستند که می‌توانند محور استراتژی‌های فقرزدایی و سیاست‌گذاری‌های میان مدت و بلندمدت در جهت تعدیل فقر باشند. به طور مثال راست‌گرایانی که عموماً معتقد به رویکردهای فرهنگی هستند توجه خود را به توسعه منابع انسانی در جهت بهره‌وری نیروی کار و مالا خارج شدن از دور باطل فقر معطوف می‌دارند در حالی که چپ‌گرایان با اعتقاد به رویکرد موقعیتی همواره مترصد فرصتی برای تجدید نظر در روابط اقتصادی و نهایتاً باز توزیع درآمد و امکانات هستند. برای مبارزه با فقر همکاری میان گروه‌های مختلف اجتماعی برای بالا بردن سطح آگاهی‌های آنها در جهت آشنایی با توانایی‌ها و مسوولیت‌هایشان از پیش شرط‌های اساسی بشمار می‌رود. برای هر گونه سیاست‌گذاری در خصوص امحای فقر ابتدا می‌بایست ارزیابی دقیقی از گروه‌ها و نهادهایی که اجرای این سیاست‌ها می‌تواند با منافع آنها در تضاد قرار گیرد داشت چرا که مقاومت‌ها و کارشکنی‌های نهانی معمولاً از موانع مهم دستیابی به اهداف سیاست‌های فقرزدایی است.

امروزه راهکارهای بی‌شمار عملی و نظری و تئوری‌های متعددی در خصوص فقرزدایی وجود دارد که حاصل تحقیقات و تلاش جامعه علمی است و اجرای هر یک از آنها به گونه‌ای می‌تواند کمک

به سزایی در به حاشیه کشاندن فقر داشته باشد اما شکست این سیاست‌ها اغلب نه در طرح آن بلکه در اجرای آنها بوده است.

از این رو تجربه نشان داده که سیاست‌های ملی بر اساس اقتصاد بومی و محلی نتایج بهتری در بر داشته به طور مثال تایلند، کره جنوبی، اندونزی و فیلیپین موفقیت خود را در توسعه مدیون عدم اجرای نسخه‌های پیچیده شده توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هستند. این کشورها با سرمایه‌گذاری گسترده بر آموزش و تحقیقات و توجه به توسعه منابع انسانی و هدایت و رشد صنایع خاص توسط کنترل‌های انگیزشی موجب شدند صنایع کالاهای مکمل به رشد کافی برای رقابت جهانی نایل آیند. سپس با کنترل سرمایه‌های خارجی این کالاها را به صحنه رقابت بین‌المللی وارد کردند. این رشد برق آسا موجب شده طبق گزارش دبیر کل سازمان ملل فقر مطلق (کمتر از ۱ دلار در روز) از دهه ۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰ در کشورهای آسیای جنوب شرقی از ۶۰ درصد به ۲۰ درصد کاهش پیدا کند.

## سوء استفاده مالی توسط دستگاه‌های دولتی

یکی از مهم‌ترین شرط‌ها که با وجود بدیهی بودن آن در بسیاری از موارد می‌بایست مورد تردید واقع شود اراده حاکمیت است. بسیاری از سیاستمداران و مسوولان صرف‌نظر از هر گونه گرایش مضامین عدالت‌خواهانه و مفاهیمی از قبیل عدالت اجتماعی، فقرزدایی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را به عنوان ابزاری صرفاً سیاسی برای رسیدن به اهدافی غیر، گاه و بیگاه از استین بیرون آورده و پس از چندی با طرح برنامه‌های عجولانه و سطحی آن را به کناری می‌گذارند صرف‌نظر از سیستم‌های توتالیتر که فقر را اسباب حکومت تلقی می‌نمایند در سیستم‌های دیگر نیز فقر به انحاء گوناگون مورد غفلت واقع شده و عزم و اراده‌ی جدی در مورد ریشه‌کنی آن وجود ندارد. دومین شرط اساسی، مسوولیت‌پذیری و شفافیت عملکرد در نهادها و سازمان‌های دولتی است هر گونه فساد یا سوء استفاده مالی توسط دستگاه‌های دولتی صدمات جبران ناپذیری به سیاست‌های توسعه و مشروعیت حاکمیت وارد می‌آورد.

امروزه مبارزه با فقر شامل طیف وسیعی از حرکت‌های اصلاح‌طلبانه می‌گردد، در کنار تلاش برای تامین نیازهای اولیه ملل فقیر، مبارزه علیه تبعیضات مختلف نژادی، جنسی و طبقاتی نیز به

فقر در ایران پیچیده‌تر  
از آن است که بتوان با  
اعمال سیاست‌های  
سطحی و زودگذر به  
درمان آن پرداخت



اهداف حتی با خصوصی سازی محقق نگردد. خصوصی سازی تنها منحصر به انتقال مالکیت بخش های مختلف اقتصادی نیست، بلکه خصوصی سازی می تواند به طور گسترده ای یک گرایش اجتماعی - اقتصادی نیز باشد. تغییر گرایش های مصرفی و رفتاری جوامع دولت محور و تمایل به خصوصی شدن اداره عمومی جامعه به طور وسیعی شامل مفاهیم خصوصی سازی می گردد. به طور مثال بدون انتقال مالکیت در حوزه های بهداشت و درمان می توان خصوصی سازی را در تمایل به استفاده از خدمات درمانی خصوصی و اعمال پیشگیرانه انفرادی از جمله ایمن سازی ها و مراقبت های بهداشتی فردی مشاهده نمود. یا در حوزه حمل و نقل عمومی، خصوصی سازی می تواند دو معنی متفاوت داشته باشد یکی انتقال بخش حمل و نقل عمومی به بخش خصوصی و دیگری تمایل مردم به استفاده از وسایط نقلیه شخصی صرف نظر از نوع مالکیت حمل و نقل عمومی.

### پیچیدگی فقر در ایران

شرط آن که توسعه بتواند نفع همگان را در بر گیرد و به سیاست های حمایتی کمک کند باز توزیع صحیح درآمد و ثروت است یکی از مصادیق بارز باز توزیع، اصلاحات ارضی است. علی رغم این که اصلاحات ارضی با تحركات ناموزون اجتماعی در بلند مدت می تواند از موانع توسعه باشد ولی در کوتاه مدت سهم به سزایی در کاهش فقر خصوصا فقر مطلق دارد. کشورهایی نظیر چین، کره جنوبی و شمالی در این خصوص تجارب موفقی داشته اند. فقر در ایران پیچیده تر از آن است که بتوان با اعمال سیاست های سطحی و زودگذر به درمان آن پرداخت. اجرای ترکیبی از سیاست های کوتاه مدت برای برداشتن سنگینی فقر از روی دوش اقشار کم درآمد و سیاست های بلندمدت برای ریشه کنی قطعی این معضل و حفظ دستاوردهای سیاست های فقرزدایی اجتناب ناپذیر است.

برای اجرای صحیح این سیاست ها عزم ملی، اجماع عمومی و اصلاح ساختاری توسط مسوولین قابل اعتماد از شروط لازم اولیه است. سرمایه گذاری بر روی توسعه منابع انسانی به عنوان اولین قدم در راه اصلاح ساختاری باید به گونه ای باشد که این امر تنها بر سطوح بالای مدیریتی متمرکز نشده و امکان ارتقای منابع انسانی در تمام سطوح مهیا و از اهمیت یکسانی برخوردار باشد. با تحقق این امر ظرفیت ها و منابع

مجموعه فعالیت های فقرزدایی منضم گشته که خود به تنهایی می تواند دلیل تامه فقر و نابرابری باشد.

اصولا سیاست های فقرزدایی مبتنی بر دو نوع حمایت است، حمایت های اولیه، حمایت های ثانویه. حمایت های اولیه شامل درآمدهایی است که می تواند از محل گردش سرمایه و ایجاد اشتغال و توسعه عادلانه به دست آید و حمایت های ثانویه بودجه هایی است که در جهت پرداخت های مستقیم یا غیرمستقیم به اقشار آسیب پذیر اختصاص پیدا می کند. یک سیاست موثر فقرزدایی اغلب ترکیبی از هر دو حمایت را شامل می گردد چرا که تاکید بر روی هر یک از سیاست ها به تنهایی می تواند سیاست های فقرزدایی را با محدودیت هایی مواجه سازد.

یکی از راه های اجرای سیاست های فقرزدایی استفاده از طرح های مشارکت محلی و تفویض اختیارات به گروه های منطقه ای و محلی است این روش ضمن پیشبرد هر چه بیشتر اهداف سیاست های مذکور موجب انگیزش بیشتر و پویایی می گردد، در این شیوه منتفدین محلی یا منطقه ای با رصد کردن موانع و مشکلات و شناسایی هر چه بهتر اقشار کم درآمد توسط خود آنها مبادرت به اجرای سیاست های حمایتی نموده و زمینه ارتقای آنان را فراهم می آورند.

از دیگر سیاست های توسعه در راستای تحقق بخشیدن به کاهش فقر می توان به خصوصی سازی اشاره نمود که به رغم بسیاری با ایجاد اشتغال می تواند از قدم های نخست در جهت فقرزدایی باشد. خصوصی سازی و تجاری سازی دو مفهومی است که غالبا به جای یکدیگر استفاده می گردد، خصوصی سازی انتقال بخش و واحد اقتصادی دولتی به بخش خصوصی است اما تجاری سازی الزاما شامل این انتقال نمی گردد و می تواند تغییر در خط مشی و سیاست گذاری سازمانی باشد. همان طوری که یک نهاد می تواند خصوصی شود ولی کماکان تجاری و انتفاعی نگردد. بنابراین تنها خصوصی سازی نیست که می تواند به عنوان اهرمی در جهت توسعه به کار گرفته شود، بلکه با درک عمیقی از مناسبات سازمانی هر گونه تغییر در راستای اهداف مورد نظر می تواند همان پیامدها را در بر داشته باشد، گاهی موانع اهدافی را که سیاست های توسعه با خصوصی سازی تعقیب می نمایند می توان بدون خصوصی سازی تحقق بخشید و بالعکس این

تولیدی می تواند با حداکثر ظرفیت و توان به کار گرفته شده و فرصت های جدید را ایجاد نماید که نهایتا منجر به کاهش بیکاری و توسعه گردد. دومین قدم، توسعه بخش کشاورزی در کنار توسعه منابع انسانی در این بخش است، شکی نیست که کشاورزی پیشرفته و تولید انبوه محصولات استراتژیک و قطع واردات محکم ترین تکیه گاهی است که اقتصاد می تواند به آن تکیه کند، با استفاده از محصولات داخلی ارزان تر خانوارها می توانند بودجه خود را صرف هزینه های دیگر نمایند که پیش از این مورد غفلت واقع شده بود.

### سیستم مالیات و یارانه در ایران

سیستم مالیات و یارانه در ایران به طرز آشکاری تبعیض آمیز است. به کلیه درآمدهای قابل دسترس از جمله حقوق کارگران با دقت تمام مالیات تعلق می گیرد در حالی که درآمدهای نجومی که بخش عظیمی از درآمد کل را شامل می شود توسط شبکه های ذی نفوذ و تاجرنامه های خرد و کلان به طور کل به حساب نمی آیند. از طرف دیگر بخش عظیمی از سوبسیدها که در بخش انرژی مصرف می گردد نیز نصیب دهک های بالای درآمد می گردد. لذا با اصلاح سیستم مالیاتی و نحوه اختصاص یارانه ها می توان در این قسمت نیز نوعی تعادل ایجاد کرد.